

**The Seerah of Imam Ali (a.s) during the time of the Prophet
(s.a.w) in Sahih Bukhari and Muslim;
(Critique and analysis of narrations)**

Kavoos Rouhi Barandagh*

Ali Ahmadi**

Abstract

Imam Ali (a.s) is one of the influential personalities of the Islamic world who played a very important role in the formation of Islam and the Islamic government. An examination of his personality and Seerah can indicate his role in the vital period of Islam. This article examines the Seerah of Imam Ali (a.s) emphasising on the time of the Prophet (s.a.w) in Sahih Bukhari and Muslim, with a narrative-historical approach. After a critical analysis of the narrative-historical documents of Sahih Bukhari and Muslim, It has been concluded that these two Sunni narrators, compared to other Sunni narrators and historians, have quoted the Seerah of Imam Ali's (a.s) less than others and have tried to show his Seerah as incomplete and distorted. They have not narrated some of the important events of his biography, and what they have quoted not only is not different from other companions of holy prophet (s.a.w) but also in some cases, is even more incomplete and distorted

Keywords: Imam Ali (a.s), Seerah, Sahih Muslim, Sahih Bukhari, Time of the Prophet (s.a.w), Prophetic Age

* Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran,
k.roohi@modares.ac.ir

** PhD Student of Baqir al-Olum University, Iran, Qom, aliahmady1355@yahoo.com

Date received: 2020-08-26, Date of acceptance: 2020-11-08

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سیره عملی امام علی (ع) در زمان پیامبر (ص) در صحیح بخاری و مسلم؛

(نقد و تحلیل روایات)

کاوس روحی برندق*

علی احمدی**

چکیده

امام علی (ع)، یکی از شخصیت‌های تاثیرگذار جهان اسلام است که نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری اسلام و حکومت اسلامی داشت. بررسی شخصیت و سیره ایشان، می‌تواند بیانگر نقش ایشان در دوران حیاتی اسلام باشد. این مقاله، سیره امام علی (ع) را با تاکید بر خصوص زمان پیامبر (ص) در صحیح بخاری و مسلم، با رویکرد روایی - تاریخی، مورد پژوهش قرار داده است و پس از تحلیل انتقادی مستندات روایی - تاریخی صحیح بخاری و مسلم، به این نتیجه دست یافته که این دو محدث اهل سنت، نسبت به دیگر محدثان و مورخان سنی، موارد سیره‌ای امام علی (ع) را کمتر از دیگران نقل کرده‌اند و سعی کرده‌اند سیره ایشان را ناقص و مخدوش نشان دهند. آنان بخشی از وقایع مهم زندگانی ایشان را نقل نکرده‌اند و همان مقدار را هم که نقل کرده‌اند، به گونه‌ای است که نسبت با دیگر صحابه، نه تنها تفاوتی نمی‌کند؛ بلکه در برخی موارد، ناقص‌تر و مخدوش‌تر است.

* دکترای تخصصی، دانشیار و مدیر گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)،
k.roohi@modares.ac.ir

** دانشجوی دکتری، مدیر کتابخانه و اسناد پژوهشکده حج و زیارت،
aliahmady1355@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۸

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، سیره، صحیح مسلم، صحیح بخاری، زمان پیامبر (ص)، عصر نبوی

۱. طرح مسأله

شخصیت امام علی (ع)، از تاثیرگذارترین شخصیت‌ها در تاریخ اسلام است و مذاهب اسلامی، اعم از شیعه و اهل سنت، هر کدام مبتنی بر مبانی خاص خود، اقدام به گزارش‌نویسی و روایتگری از سیره ایشان پرداخته‌اند. بخاری و مسلم، به عنوان قوی‌ترین محدثان اهل سنت که صحیح‌ترین کتابهای حدیثی اهل سنت را نگاشته‌اند، روایاتی را درباره سیره امام علی (ع) نقل کرده‌اند که با جمع‌آوری، بررسی و عرضه آنان بر دیگر منابع حدیثی و تاریخی اهل سنت، می‌توان به دیدگاه این دو محدث، درباره سیره و شخصیت امام علی (ع) رسید.

از آنجا که تاکنون در این موضوع، اثری نگاشته نشده است، به جز کتاب "البخاری و آل البيت" تالیف اسامه محمد زهیر الشنطی و "صورة عثمان و علی فی صحیح البخاری و مسلم" تالیف محمد عبدالوهاب یوسفی، که به شخصیت و سیره امام علی (ع) در صحیحین، تنها از دیدگاه اهل سنت (اثباتی و نه انتقادی) پرداخته‌اند؛ بایسته است تا شخصیت و سیره امام علی (ع)، با تکیه بر دیگر منابع حدیثی و تاریخی اهل سنت، مطالعه انتقادی شود. شناخت هر چه بیشتر دیدگاه بخاری و مسلم نسبت به سیره امام علی (ع) به ویژه در زمان پیامبر اکرم (ص) ایجاب می‌کند، به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود: ۱. دیدگاه بخاری و مسلم، درباره شخصیت و سیره امام علی (ع) در زمان پیامبر چیست؟ ۲. چه تفاوتی بین این نگاه و دیدگاه دیگر محدثان اهل سنت وجود دارد؟ ۳. از دیدگاه دیگر منابع تسنن، چه نقدهایی بر چهره‌ای که دو کتاب صحیح بخاری و مسلم از امام علی (ع) ارائه کرده‌اند، وارد است؟ این پژوهش، با روش کتابخانه‌ای در گردآوری داده‌ها، و روش تحلیل محتوایی کمی و کیفی (توصیفی - تحلیلی)، اقدام به بررسی انتقادی سیره امام علی (ع) از دیدگاه صحیح بخاری و صحیح مسلم پرداخته و تنها به گزارش‌هایی می‌پردازد که جنبه سیره‌ای و شخصیتی دارد و نه فضایی و مناقبی و در زمان پیامبر (ص) واقع شده است. این مقاله بر اساس داده‌های دو کتاب پیش‌گفته به چهار بخش: ۱) شخصیت و سیره حضرت در جنگهای پیامبر؛ ۲) ماموریت‌های ویژه؛ ۳) سیره فردی؛ ۴) واپسین روزهای حیات پیامبر (ص) تقسیم می‌شود.

۲. احادیث مربوط به سیره امام علی (ع) در زمان پیامبر (ص)

۱.۲ سیره امام علی (ع) در غزوات

جنگ بدر: امام علی (ع) در جنگ بدر، حضور داشت و به همراه حمزه و عبیده بن حارث، در نبردهای تن به تن، شرکت کرد و ولید بن عتبه را کشت. بخاری در پنج روایت، اشاره کرده که مبارزه ایشان، تنها برای رضا خدا بوده است. بنابر روایت اول، آیه (هذان خصمان اختصموا فی ربهم) در روز بدر و درباره شش نفر از قریش، علی و حمزه و عبیده بن حارث و شیبه و عتبه و ولید بن عتبه، نازل شده است. (بخاری، جامع الصحیح، ح ۳۹۶۵). روایت دوم، شیبه روایت اول است؛ با این تفاوت که اشاره‌ای به جنگ بدر نمی‌کند. (همان، ح ۳۹۶۶). روایت سوم، آیه را بدون شان نزول نقل می‌کند. (همان، ح ۳۹۶۷) در روایت چهارم، نام امام علی (ع) را ذکر نمی‌کند؛ بلکه این‌گونه نقل می‌کند: "این آیه، در شان حمزه و دو همراهش و عتبه و دو همراهش نازل شده است که در روز بدر با هم مبارزه کردند." (همان، ح ۴۷۴۳) روایت پنجم، شیبه روایت دوم است. (همان، ح ۴۷۴۴). مسلم نیز در یک روایت (مسلم، جامع الصحیح، ح ۳۰۳۳)، مثل اولین حدیث بخاری، این حدیث را نقل می‌کند.

جنگ احد: امام علی (ع) در جنگ احد، حضور داشت و در هنگامه‌ای که پیامبر زخمی و در محاصره مشرکان قرار گرفته بود، به کمک ایشان شتافت. بخاری در شش روایت و مسلم در یک روایت، از سهل بن سعد نقل می‌کنند:

زمانی که سپر پیامبر بر سر ایشان شکست و رخسار وی خون‌آلود شد و یکی از دندان‌های پیشین او شکست. علی با سپرش آب می‌آورد و فاطمه، خون از روی پدرش می‌شست. سپس بوریایی سوزانده و با آن، جای زخم پر شد. (بخاری، جامع الصحیح، ح ۲۴۳، ۲۹۱۱، ۳۰۳۷، ۴۰۷۵، ۵۲۴۸، ۵۷۲۲؛ مسلم، الجامع الصحیح، ص ۷۴۵، ح ۱۷۹۰، ۱۰۱).

حدیبیه: پیامبر (ص)، پس از چند جنگ با قبایل بت‌پرست اطراف یثرب، مدتی را در آن شهر ماند؛ آن‌گاه به همراه عده‌ای از پیروانش برای انجام عمره، راهی مکه شد. در نزدیکی عسفان، خالد بن ولید با لشکری از مشرکان در حدیبیه، مانع ورود مسلمانان به مکه شد. این برخورد، به صلح حدیبیه انجامید که صلح‌نامه اش، به دستور پیامبر، توسط امام علی (ع) نگارش یافت. بخاری در پنج روایت، به این مطلب، اشاره کرده است. در اولین حدیث، از

برابن عازب، این‌گونه گزارش می‌کند: زمانی که رسول خدا با اهل حدیبیه صلح کرد، علی بن ابی طالب نویسنده صلح‌نامه بود؛ پس نوشت: محمد رسول‌الله. مشرکان گفتند: ننویس محمد رسول‌الله؛ اگر تو رسول خدا بودی، ما با تو نمی‌جنگیدیم. پس آن حضرت به علی فرمود: آن را پاک کن. علی فرمود: من آن کسی نیستم که آن را پاک کنم؛ پس رسول خدا با دست خود، آن را پاک کرد. (بخاری، جامع الصحیح، ص ۵۱۴، ح ۲۶۹۸). در دومین روایت، اولاً با عبارت "فلما کتبوا الكتاب کتبوا"، معلوم نیست نویسنده کیست. ثانیاً پس از درخواست مشرکان برای حذف لقب رسول‌الله، ایشان فرمود: "انا رسول الله و انا محمد بن عبدالله" ثالثاً امام علی(ع) در جواب پیامبر فرمود: "لا والله لا امحوک ابداً" رابعاً رسول خدا نامه را گرفت و این‌گونه نوشت: "هذا ما قاضی علیه محمد بن عبدالله" (بخاری، جامع الصحیح، ص ۵۱۴، ح ۲۶۹۹). سومین روایت، هر چند شبیه روایت اول و دوم است؛ لکن بنابر آن، پس از آن که امام علی(ع) قبول نکرد که پاک کند، رسول خدا به ایشان فرمود: آن کلمه را به من نشان بده و امام آن را به پیامبر نشان داد و سپس پیامبر با دست خویش آن را محو کرد. (بخاری، جامع الصحیح، ص ۶۱۱، ح ۳۱۸۴) بنابر روایت چهارم، رسول خدا نامه را گرفت ولی او خوب نمی‌نوشت، این‌گونه نوشت: "هذا ما قاضی علیه محمد بن عبدالله" (بخاری، جامع الصحیح، ص ۸۰۵، ح ۴۲۵۱) در دو روایت دیگر، تنها بخشی از حدیث، مورد توجه بخاری قرار گرفته است. (بخاری، جامع الصحیح، ص ۳۳۹، ح ۱۷۸۱؛ ص ۳۵۲، ح ۱۸۴۴) مسلم در چهار روایت، این مطلب را نقل کرده است که شبیه گزارشهای بخاری است. (مسلم، جامع الصحیح، ص ۷۴۲، ح ۱۷۸۳، ۹۰ و ۹۱؛ ح ۱۷۸۳، ۹۲). تنها در چهارمین روایت، هیچ اشاره‌ای به دستور پاک کردن، نشده است. (مسلم، جامع الصحیح، ح ۱۷۸۳، ۹۳) غزوه بنی‌مصطلق: در صحیح بخاری و مسلم، همه اسناد داستان افک که در مراجعت از جنگ بنی‌مصطلق اتفاق افتاد، به عایشه منتهی می‌شود. بخاری در مجموع هفده روایتی که از این حادثه گزارش می‌کند (بخاری، جامع الصحیح، ح ۲۵۹۳، ۲۶۳۷، ۲۶۶۱، ۲۶۸۸، ۲۸۷۹، ۴۰۲۵، ۴۱۴۱، ۴۶۹۰، ۴۷۴۹، ۴۷۵۰، ۴۷۵۷، ۶۶۶۲، ۶۶۷۹، ۷۳۶۹، ۷۳۷۰، ۷۵۰۰، ۷۵۴۵)، در چهار روایت، به نقش امام علی(ع) در جریان افک، اشاره می‌کند که تفصیل آن، خواهد آمد. بنابر این روایات، قبل از نزول آیاتی از قرآن که بر پاک‌ی عایشه تاکید شده، پیامبر از اسامه و امام علی(ع) مشورت خواست که عایشه را نگه دارد یا طلاق دهد. اسامه به خدا سوگند یاد کرد که جز نیکویی از وی نمی‌داند؛ اما امام علی(ع) فرمود: "یا رسول الله خداوند بر تو تنگ نگرفته است و به جز از وی، زنان، بسیارند. پس از کنیز وی پرس که به

تو راست بگوید." که بریره، بر پاکی عایشه شهادت داد. (بخاری، جامع الصحیح، ح ۴۱۴۱، ۲۶۶۱، ۴۷۵۰، ۷۳۶۹). بنابر گزارش دیگری از بخاری، ولید بن عبدالملک از زهری پرسید: آیا به تو خبر رسیده که علی از جمله کسانی بوده که بر عایشه تهمت زدند؟ جواب داد: نه؛ ولی دو مرد از قوم تو، از قول عایشه، به من خبر دادند که علی، سخن بدی درباره عایشه نگفته است. (بخاری، جامع الصحیح، ح ۴۱۴۲) مسلم نیز تنها در کتاب التوبه، باب حدیث الافک، این جریان را به تفصیل، ذکر می‌کند. (مسلم، جامع الصحیح، ح ۲۷۷۰) ولی گزارش ولید بن عبدالملک را نقل نمی‌کند.

فتح مکه: بخاری در دو جا، در جریان عمره القضاء و رفتن پیامبر به مکه در سال پس از صلح حدیبیه، این‌گونه گزارش می‌کند: پیامبر (ص) از مکه بیرون آمد و دختر حمزه به دنبال‌شان روانه شد؛ در حالی که به آن حضرت می‌گفت: عمو، عمو. علی بن ابی‌طالب (رض) به او رسید، دستش را گرفت و به فاطمه (س) گفت: دختر عموی خود را بگیر و او را با خود سوار کن. سپس علی و زید و جعفر درباره او، اختلاف کردند. علی گفت: من به او سزاوارترم، او دختر عموی من است. جعفر گفت: وی دختر عموی من و خاله‌اش همسر من است. زید گفت: او دختر برادر من است. پیامبر (ص) حکم کرد که آن دختر به خاله‌اش سپرده شود و فرمود: "خاله، به منزله مادر است." و به علی گفت: "تو از منی و من از توام" و به جعفر گفت: "صورت و سیرت تو به من شبیه است." و به زید گفت: "تو برادر ما و دوست ما هستی." (بخاری، جامع الصحیح، ص ۵۱۴، ۲۶۹۹؛ ص ۸۰۵ حدیث ۴۲۵۱) سپس، امام از پیامبر پرسید: آیا با دختر حمزه، ازدواج نمی‌کنی؟ حضرت پاسخ داد: "وی، دختر برادر رضاعی من است." (همان) یعنی من نمی‌توانم با او ازدواج کنم؛ زیرا محرم من است.

جنگ خیبر: بخاری، شش بار حدیث معروف رایت را با الفاظ و راویان مختلف، نقل می‌کند. اولین بار، در کتاب "الجهاد و السیر"، نقل می‌کند که پیامبر گفت: "فردا، پرچم را به دست کسی می‌دهم که خداوند بر دستان او، پیروزی را میسر می‌کند." صحابه به این امید برخاستند که پرچم به کدام یک از آنان، داده خواهد شد؟ و همه آنان، در حالی شب را به صبح رساندند که امیدوار به دریافت پرچم بودند. آن حضرت فرمود: "علی کجاست؟" گفته شد: چشمانش درد می‌کند. به امر آن حضرت، فراخوانده شد. سپس آب دهان خویش را بر چشمان وی مالید، چشمانش خوب شد، گویا از اول، چشم‌درد نداشته است... (بخاری، جامع الصحیح، ص ۵۶۵، ح ۲۹۴۲) بخاری در دومین حدیث، عبارت "لأعطين

الرایة غدا رجلا يفتح على يديه، يحب الله ورسوله و يحبه الله ورسوله" (بخاری، جامع الصحیح، ح ۳۰۰۹). را از پیامبر نقل می‌کند که فضیلتی دیگر برای امام است. حدیث سوم، مثل حدیث اول است. (بخاری، جامع الصحیح، ح ۳۷۰۱) حدیث چهارم، از سلمه نقل شده است. وی در ابتدا، از عقب ماندن علی بن ابی‌طالب از پیامبر به علت چشم‌درد و رسیدن به پیامبر با تأخیر گزارش می‌کند. (بخاری، جامع الصحیح، ح ۳۷۰۲) حدیث پنجم، شبیه حدیث چهارم (بخاری، جامع الصحیح، ح ۴۲۰۹) و حدیث ششم، شبیه حدیث دوم است. (بخاری، جامع الصحیح، ح ۴۲۱۰). بنابراین راوی چهار حدیث، سهل بن سعد و دو حدیث، سلمه هستند. چهار حدیث سهل شبیه هم و دو حدیث سلمه مثل هم هستند. مسلم، پنج بار این حدیث را با الفاظ و راویان مختلف، نقل می‌کند. حدیث اول، شبیه روایت دوم بخاری است. (مسلم، جامع الصحیح، ص ۷۵۵، ح ۱۸۰۷). در حدیث دوم، جریان جواب سعد بن ابی‌وقاص به معاویه که چه چیز مانع می‌شود اباتراب را سب نکنی؟ گزارش شده است که وی، حدیث رایت را یکی از دلایل سه‌گانه می‌شمارد. (مسلم، جامع الصحیح، ح ۲۴۰۴) راوی حدیث سوم، ابوهریره است. (مسلم، جامع الصحیح، ح ۲۴۰۵) راوی حدیث چهارم، سهل بن سعد و شبیه روایت دوم و ششم بخاری است. (مسلم، جامع الصحیح، ح ۲۴۰۶) روایت پنجم از سلمه و شبیه روایت چهارم و پنجم بخاری است. (مسلم، جامع الصحیح، ح ۲۴۰۷) از مجموع پنج حدیث، دو روایت را سلمه، یک روایت، سعد بن ابی‌وقاص، یک روایت، ابوهریره و یک روایت را سهل، گزارش کرده است. تنها دو روایت سلمه، شبیه هم است.

جنگ تبوک: این جریان که به حدیث منزلت معروف است، دو بار در صحیح بخاری، منعکس شده است. در روایت اول، از پیامبر نقل می‌کند که به امام علی(ع) فرمودند: "آیا راضی نیستی نسبت به من، مانند هارون به موسی باشی؟" (بخاری، جامع الصحیح، ص ۷۰۹، ح ۳۷۰۶) در روایت دوم، اولا زمان صدور این حدیث، هنگام راهی شدن رسول الله (ص) به سوی تبوک، گزارش شده است. ثانيا پیامبر در جواب سوال امام علی(ع): آیا مرا با کودکان و زنان می‌گذاری؟ فرمود: "آیا راضی نیستی نسبت به من، مانند هارون به موسی باشی؛ مگر آن‌که پس از من، پیامبری نیست." (بخاری، جامع الصحیح، ح ۴۴۱۶). مسلم نیز چهار روایت، نقل کرده است. روایت اول و دوم مسلم، شبیه روایت دوم بخاری است. (مسلم، جامع الصحیح، ص ۹۷۹، ح ۲۴۰۴) در حدیث سوم، جریان جواب سعد بن ابی‌وقاص به معاویه که چه چیز مانع می‌شود اباتراب را سب نکنی؟ گزارش شده است که

سیره عملی امام علی (ع) در زمان پیامبر (ص) ... (کاوس روحی برندق و علی احمدی) ۱۶۵

وی، حدیث منزلت را یکی از دلایل سه‌گانه می‌شمارد (مسلم، جامع الصحیح، ص ۹۷۹، ح ۲۴۰۴) و عبارت پیامبر، "الا انه لا نبوة بعدی"، گزارش شده است. روایت چهارم مسلم، تقطیع شده و عبارت "الا انه لا نبی بعدی"، نیامده است. (همان)

پس از فتح مکه: امام علی (ع) قصد داشته مشرکی که در خانه خواهرش ام هانی پناه گرفته بود را بکشد. پیامبر با بیان "ما پناه دادیم کسی را که تو پناه دادی"، به ام هانی، بر امنیت آن مشرک، تاکید کردند. این روایت، در سه جای صحیح بخاری آمده است. (بخاری، جامع الصحیح، ص ۹۲، ح ۳۵۷؛ ص ۶۰۸، ح ۳۱۷۱؛ ص ۱۱۸۸، ۶۱۵۸) و در یک روایت (بخاری، جامع الصحیح، ح ۲۸۰)، تنها به ملاقات ام هانی با پیامبر تصریح کرده؛ اما به جریان قصد کشتن مشرکی توسط امام علی (ع)، هیچ اشاره‌ای نکرده است. (همان) تنها روایت مسلم نیز همین گونه است. (مسلم، جامع الصحیح، ص ۲۸۴، ح ۳۳۶)

سریه یمن: در کتاب المغازی، باب "بعث علی بن ابی طالب (ع) و خالد بن ولید رضی الله عنه الی الیمن قبل حجة الوداع"، سه گزارش درباره این ماموریت آمده است. بنابر اولین روایت، پیامبر ابتدا خالد بن ولید را به سوی یمن فرستاد. سپس امام علی (ع) را برای دریافت خمس غنایم، نزد او فرستاد. (بخاری، جامع الصحیح، ص ۸۲۱، ح ۴۳۴۹) در روایت دوم، به تصرف امام علی (ع) بر کنیزی، قبل از تقسیم غنایم، تصریح شده است که باعث ناراحتی و غضب بریده شد و وی به پیامبر اعتراض کرد که ایشان با جواب "بر وی (امام علی) خشمگین نباش، حق او در خمس، از این زیادتر است"، از او دفاع کرد. (بخاری، جامع الصحیح، ص ۸۲۱، ح ۴۳۵۰) و در گزارش سوم، تنها به گزارش ارسال قطعه‌ای طلا از طرف امام برای پیامبر، بسنده می‌کند. (بخاری، جامع الصحیح، ص ۸۲۱، ح ۴۳۵۱) تنها روایت مسلم در این باره، مثل حدیث سوم بخاری است. (مسلم، جامع الصحیح، ح ۲۴۹۹) وی به تصرف کنیز توسط امام علی (ع)، هیچ اشاره‌ای نمی‌کند.

ماموریت جنگی: پیامبر (ص)، امام علی (ع) و ابومرثد غنوی و زبیر و مقداد را فراخواند و به آنان ماموریت داد به "روضه خاخ" بروند و نامه‌ای که حاطب برای مشرکان نوشته را از زن مشرک جاسوس بگیرند. آنان، به آنجا رفتند، آن زن را یافتند و نامه را طلب کردند. ابتدا انکار کرد که نزد او نامه‌ای است؛ گفتند: اگر نامه را تحویل ندهی، لباسهایت را از تنت خارج می‌کنیم! پس از این تهدید، نامه را از گیسوان خود درآورد. (بخاری، جامع الصحیح، ص ۵۷۵، ح ۳۰۰۷؛ ص ۹۶۲، ح ۴۸۹۰) مسلم نیز این گزارش را مثل بخاری، آورده است. (مسلم، جامع الصحیح، ص ۱۰۱۲، ح ۲۴۹۴)

۲.۲ ماموریت ویژه

اعلان سوره براءت: بخاری در هفت روایت، اعلان سوره براءت را گزارش می‌کند که تنها در سه روایت، از امام علی(ع) به عنوان اعلان کننده سوره براءت یاد می‌کند. در اولین روایت، از حمید بن عبدالرحمان از ابوهریره نقل می‌کند: ابوبکر در روز نحر در حج، من را در جمعی از منادیان به منا فرستاد تا اعلام کنیم: "پس از امسال، هیچ مشرکی نباید حج گزارد و هیچ برهنه‌ای نباید بر کعبه، طواف کند." حمید در ادامه می‌گوید: "رسول الله پس از آن، علی را فرستاد و به او دستور داد که سوره براءت را به آواز بلند بر مردم بخواند." ابوهریره گفت: "علی همراه ما در روز نحر در منا اعلام کرد: پس از امسال، هیچ مشرکی حج نگرارد و هیچ برهنه‌ای بر کعبه طواف نکند." (بخاری، جامع الصحیح، ح ۳۶۹، ۶۵۵، ۶۵۶) بخاری در چهار روایت دیگر، تنها قسمت اول گزارش را نقل می‌کند و هیچ اشاره‌ای به اعلان سوره براءت توسط امام علی(ع) نمی‌کند. (بخاری، جامع الصحیح، ح ۱۶۲۲، ۳۱۷۷، ۴۳۶۳، ۶۵۷). مسلم تنها در یک جا این گزارش را می‌آورد و در آن، تنها قسمت اول گزارش را می‌آورد (مسلم، جامع الصحیح، ح ۱۳۴۷) و اشاره‌ای به نقش امام علی(ع) نمی‌کند.

۳.۲ سیره فردی

ازدواج: امام علی(ع) هنگامی که خواست با حضرت فاطمه(س) ازدواج کند، به تجارت روی آورد و با مردی از قبیله بنی قینقاع قرار گذاشت که وسایل مورد نیاز آهنگران را وارد کند و به آنان بفروشد و از پول این تجارت، محفل عروسی برپا کند. (بخاری، جامع الصحیح، ص ۷۶۰، ح ۴۰۰۳؛ مسلم، جامع الصحیح، ص ۸۲۱، ح ۱۹۷۹)

خواستگاری از دختر ابوجهل: بخاری درباره خواستگاری امام علی(ع) از دختر ابوجهل، ۴ روایت را ذکر می‌کند. بنابر اولین روایت، علی بن ابی طالب، دختر ابوجهل را خواستگاری کرد؛ در حالی که همسر فاطمه (س) بود. رسول خدا بر منبر، خطبه خواند و فرمود: "إن فاطمة منی و أنا أتخوف أن تفتن فی دینها" سپس از دامادش ابوالعاص یاد کرد و فرمود: "وی سخنی به من گفت و راست گفت. و من کسی نیستم که حلال را حرام گردانم، ولیکن به خدا سوگند که هرگز دختر رسول خدا با دختر دشمن خدا، جمع نمی‌شود." (بخاری، جامع الصحیح، ص ۵۹۵، ح ۳۱۱۰). روایت دوم، شبیه حدیث اول

سیره عملی امام علی (ع) در زمان پیامبر (ص) ... (کاوس روحی برندق و علی احمدی) ۱۶۷

است جز آن که عبارت "فاطمه چون این خبر را شنید، نزد پدر آمد و گفت: قوم تو می‌پندارند که برای دخترانت خشمگین نمی‌شوی؛ علی می‌خواهد از دختر ابوجهل خواستگاری کند." و "بنابراین علی از خواستگاری دختر ابوجهل، منصرف شد"، اضافه شده است. (بخاری، جامع الصحیح، ح ۳۷۲۹). بنابر روایت سوم، رسول خدا بر فراز منبر فرمود:

بنی هشام بن مغیره، از من اجازه خواستند تا دختر خویش را به ازدواج علی بن ابی طالب درآورند، پس من اجازه نمی‌دهم؛ پس من اجازه نخواهم داد؛ پس من اجازه نخواهم داد؛ مگر آن که پسر ابی طالب، دختر من را طلاق بدهد و دختر ایشان را به ازدواج خود درآورد؛ زیرا هی بضعه منی، یریبنی ما أرابها و یؤذونی ما آذاها (بخاری، جامع الصحیح، ح ۵۲۳۰)

و روایت چهارم، مختصر حدیث سوم است. (بخاری، جامع الصحیح، ح ۵۲۷۸) مسلم نیز سه روایت، شبیه روایات بخاری نقل می‌کند. (مسلم، جامع الصحیح، ح ۲۴۴۹/۹۳، ۹۵، ۹۶)

ناراحتی امام علی (ع): روزی پیامبر خدا به منزل حضرت فاطمه (س) رفت؛ ولی امام را در آنجا ندید. سراغش را از فاطمه (س) گرفت. ایشان فرمود: "بین من و او چیزی واقع شد و او بر من غضب کرد و از خانه خارج شد." پس از مدتی، پیامبر امام علی (ع) را در مسجد یافت. در حالی که خوابیده بود و ردایش از دوشش افتاده و خاک آلود شده بود. پیامبر، در حالی که خاک از او می‌زدود، فرمود: برخیز ابوتراب، برخیز ابوتراب. (بخاری، جامع الصحیح، ص ۱۰۶، ح ۴۴۱، ح ۳۷۰۳، ۶۲۰۴، ۶۲۸۰؛ مسلم، جامع الصحیح، ص ۹۸۱، ح ۲۴۰۹)

اهمیت ندادن به نماز شب: پیامبر در شبی، به منزل امام علی (ع) رفتند و از ایشان و دخترشان پرسیدند: "آیا شما نماز (شب) نمی‌خوانید؟" امام پاسخ داد: "نفسهای ما در دست خداوند است و چون بخواهد ما را برخیزاند، برمی‌خیزانند." سپس پیامبر چیزی نگفت. برخاست و در حالی که می‌رفت و روی خود را برگردانده بود، آیه ۵۴ کهف را تلاوت کرد که: (و کان الانسان اکثر شیء جدلاً)؛ "آدمی، جدل‌پیشه‌تر از همه چیز است. (بخاری، جامع الصحیح، ص ۲۲۳، ح ۱۱۲۷، ص ۹۰۹، ح ۴۷۲۴؛ ص ۱۳۹۹، ح ۷۳۴۷؛ ص ۱۴۲۴، ح ۷۴۶۵؛ مسلم، جامع الصحیح، ص ۷۷۳، ح ۱۷۵)

پوشش: پیامبر، لباسی ابریشمی را به امام هدیه داد و ایشان، آن را پوشید. سپس، آثار خشم را در سیمای پیامبر مشاهده کرد؛ لذا آن را درآورد، پاره کرد و بین زنان خود (خانواده) تقسیم کرد. (بخاری، جامع الصحیح، ص ۴۹۴، ح ۲۶۱۴؛ ص ۱۰۶۲، ح ۵۳۶۶؛ ح ۱۱۴۱، ح ۵۸۴۰؛ مسلم، جامع الصحیح، ص ۸۶۱، ح ۲۰۷۱)

۴.۲ در واپسین روزهای حیات پیامبر

همراهی پیامبر(ص) تا منزل عایشه: پیامبر، با شدت گرفتن مریضی خود، از همسران خویش اجازه خواست تا در خانه عایشه، پرستاری شود. پس از اجازه آنان، با کمک عباس و امام علی(ع)، به منزل عایشه منتقل شد. راوی این گزارش که عایشه است، با بیان "پیامبر در میان عباس و مردی دیگر، در حالی که پاهایش روی زمین کشیده می‌شد، برآمد"، هیچ نامی از امام علی(ع) نمی‌برد؛ بلکه عبدالله بن عباس در تفسیر این حدیث، آن مرد را امام علی(ع) می‌داند. (بخاری، جامع الصحیح، ص ۶۲، ح ۱۹۸، ص ۱۴۲، ح ۶۶۵؛ ص ۴۹۰، ح ۲۵۸۸؛ ص ۸۴۱، ح ۴۴۴۲؛ ص ۱۱۲۰، ح ۵۷۱۴؛ مسلم، جامع الصحیح، ص ۱۷۹، ح ۴۱۸).

نگرانی از آینده خلافت: امام علی(ع) در آخرین مریضی پیامبر که به وفات انجامید، با ایشان ملاقات کرد؛ پس از ملاقات، عباس بن عبدالمطلب، ضمن پیش‌بینی وفات پیامبر و پیروی امام علی(ع) از شخصی دیگر، از او خواست درباره آینده خلافت از رسول الله (ص) بپرسد که آیا امر خلافت بین خاندان بنی‌هاشم است یا خیر تا تکلیف را بدانند. امام، در پاسخ گفت: "به خدا قسم اگر از رسول الله پرسیم و ایشان ما را منع کند، مردم پس از فوت ایشان، آن (خلافت) را به ما نمی‌دهند و من به خدا قسم از رسول الله نمی‌پرسم. (بخاری، جامع الصحیح، ص ۸۴۱، ح ۴۴۴۷؛ ص ۱۲۰۶، ح ۶۲۶۶)

۳. بحث و تحلیل

در دومین قسمت مقاله، همه گزارشهای سیره عملی امام علی(ع) در زمان پیامبر(ص)، بر اساس صحیح بخاری و مسلم استخراج شد که به ترتیب، به بحث و تحلیل آنها خواهیم پرداخت. اول آن که در این قسمت، سیره عملی امام علی(ع) در چهار موضوع غزوات، ماموریت‌های ویژه، فردی و در واپسین روزهای عمر پیامبر(ص) تقسیم و بررسی شد. در زیرمجموعه "سیره امام علی(ع) در غزوات" ۱۰ مورد گزارش شده که نسبت به دیگر

موضوعات، بیشتر است. اولین گزارش، به حضور ایشان در جنگ بدر اختصاص دارد. در این گزارش که در هر دو کتاب آمده، بر این نکته تاکید شده که این مبارزه، برای رضای خدا بوده است. البته نقل آن دو تفاوتی هم دارد: ۱. بخاری در پنج جا و مسلم تنها در یک جا آن را نقل کرده است؛ ۲. در گزارشهای بخاری اختلاف در مضمون هست. ۳. بخاری در یک روایت، برخلاف مسلم، از امام علی (ع) نام نمی‌برد؛ بلکه حمزه را محور قرار می‌دهد و امام را به ایشان ملحق می‌کند. بنابراین، این مورد، از موارد سیره‌ای امیرالمومنین (ع) است که در دو کتاب بخاری و مسلم، به آن اشاره شده است. گزارش کامل این واقعه، در دیگر منابع آمده است. بنابر گزارش طبری، پس از آن که عتبۀ بن ربیعۀ با برادرش شیبۀ بن ربیعۀ و پسرش ولید بن عتبۀ آهنگ جنگ کرد، هم‌اورد خواست. سه تن از جوانان انصار به مقابله او رفتند، عتبۀ و همراهان او از پیامبر خواستند تا همسنگان آنان از قوم خودشان (قریش) را بفرستد؛ بنابراین ایشان، حمزه، عیبده و امام علی (ع) را به مصاف آنان فرستاد. عیبده که از دیگران سالخورده‌تر بود با عتبۀ، حمزه با شیبۀ و امام با ولید هم‌اورد شد. پس از مدت کوتاهی، حمزه شیبۀ و امام نیز ولید را کشت؛ ولی عیبده زخمی شد. حمزه و امام علی (ع) به کمک عیبده شتافتند و پس از کشتن عتبۀ، عیبده زخمی را پیش پیامبر آوردند. (طبری، ج ۲، ص ۴۲۶) نتیجه آن که بنابر نقل بخاری و مسلم، امام علی (ع) در جنگ بدر، برای خدا شمشیر زد.

درباره حضور امام علی (ع) در جنگ احد، مطالبی گفتنی است؛ از جمله ۱. این گزارش با یک روای، در هر دو کتاب آمده؛ ۲. در هر دو، بر نقش امام علی (ع) در زمان بحرانی جنگ احد تاکید شده است. این گزارش، در منابع تاریخی نیز آمده است. (ابن سعد، ج ۲، ص ۳۷) هر چند طبری، به فرار اصحاب پیامبر (ص) و پناه بردن آنان به کوه، پس از زخمی شدن حضرت نیز تصریح می‌کند. (طبری، ج ۲، ص ۴۷۵)

درباره نگارش صلح‌نامه حدیبیه؛ اولاً این گزارش با یک روای، در هر دو کتاب آمده است؛ ثانیاً سخن امام علی (ع) در جواب پیامبر (ص)، به دو گونه گزارش شده است: ۱. "من آن کسی نیستم که آن را پاک کنم." ۲. "نه، به خدا قسم آن را پاک نخواهم کرد." که از سخن اول، تقابل و نافرمانی برداشت نمی‌شود؛ در حالی که در نقل قول دوم، این شبهه پیش می‌آید که حضرت می‌خواسته، نافرمانی کند. نتیجه آن که بنابر نقل بخاری و مسلم، این که امام فرموده باشد: "من آن کسی نیستم که آن را محو کنم" و بیان "نه، من هرگز آن را محو نمی‌کنم"، تفاوت وجود دارد و بیان دوم، نوعی نافرمانی را القا می‌کند؛ هر چند برخی

شارحان صحیح بخاری و مسلم، فعل امام علی (ع) را نشانگر ادب و ایمان ایشان دانسته‌اند. (ابن بطلال بکری، ۱۴۲۳، ج ۸، ص ۸۸) و برخی دیگر، تصریح کرده‌اند که امیرمؤمنان متوجه شده بود که این دستور وجوبی نیست و لذا از محو «رسول الله» از صلح‌نامه خودداری کرد. (عسقلانی، ج ۷، ص ۵۰۳). اما گزارش آنان در دید اول، این گونه القا می‌کند که حضرت نمی‌خواست، فرمان پیامبر را اجرا کند. این در حالی است که بیان "من آن کسی نیستم که آن را محو کنم"، نیازی به این توجیهاات ندارد؛ زیرا نوعی عذرخواهی و رفع تکلیف از ایشان است.

درباره نظر ایشان در جریان افک، هر دو، ابتدا نقش امام علی (ع) در افک را از قول عایشه انکار می‌کنند ولی از قول دو نفر، بر نظر منفی وی درباره عایشه، تصریح می‌کنند. نقش امام علی (ع) در حادثه افک در منابع تاریخی نیز آمده است. گزارش مورخان، شبیه گزارش‌های بخاری و مسلم است؛ با این تفاوت که بر کتک خوردن بریره توسط امام علی (ع) برای این که اعتراف کند، تصریح شده است. (ابن هشام، ج ۲، ص ۳۰۱؛ طبری، ج ۲، ص ۶۱۵) نتیجه آن که بنابر گزارش‌های بخاری و مسلم، امام علی (ع)، جزو تهمت زندگان عایشه نبوده است. البته توصیه امام علی (ع) به طلاق دادن عایشه را گزارش کرده و آن را در مقابل خیرخواهی اسامه بن زید قرار داده‌اند که به نوعی مدح اسامه و مذمت امام علی (ع) است. نتیجه آن که این مورد، از مواردی است که بخاری و مسلم و مورخان، بر نقش منفی امام علی (ع) در حادثه افک، اشاره می‌کنند.

درباره اختلاف امام با زید و جعفر درباره دختر حمزه، مسلم، به این جریان، اشاره‌ای نکرده است. هر چند نام وی در صحیح بخاری نیامده؛ اما در منابع تاریخی، نام وی، امامه ثبت شده است. (ابن سعد، ج ۳، ص ۵) این که به چه انگیزه‌ای درباره این دختر به نزاع پرداختند، مبهم ذکر شده است. عبارت ابن سعد "اراد کل واحد منهم ان تکون عنده" (همان) است و عبارت بخاری، "دونک ابنة عمک حملتها"؛ این که قصد ازدواج داشته‌اند و یا صرفاً می‌خواستند از او نگهداری کنند، اشاره‌ای نشده است؛ هر چند سوال حضرت علی (ع) از پیامبر، شاید قرینه‌ای باشد بر این که قصد آنان، ازدواج با دختر حمزه بوده است.

درباره گزارش فرماندهی و پرچم‌داری امام در جنگ خیبر، روایات مسلم، با بخاری، از جهاتی، مشترک است: ۱. در برخی از آنها، جمله پیامبر کامل نقل شده است. ۲. بر نوید فتح و پیروزی و گرفتن پرچم از سوی پیامبر توسط امام علی (ع)، کرامت پیامبر و خوب شدن درد چشم حضرت، آرزو و رغبت صحابه برای واگذاری این ماموریت به آنان، واگذاری

پرچم به آن حضرت و فتح و پیروزی توسط ایشان، تصریح شده است. ۳. روایات بخاری و مسلم، یک جور نیست و در جملات، اختلاف دارد. روایات مسلم، نسبت به بخاری، تفاوت‌هایی دارد: ۱. مسلم در حدیث اول به رجزخوانی امام علی (ع) در صحنه نبرد و قتل مرحب توسط ایشان، تصریح می‌کند؛ در حالی که بین روایات بخاری، چنین مطلبی گزارش نشده است. ۲. حدیث دوم توسط سعد بن ابی وقاص و در جواب معاویه صادر شده است که بخاری ترجیح داده این روایت را نیاورد. ۳. در حدیث سوم، بیان عمر آمده است که "ما احبب الامارة الا یومئذ" در حالی که بخاری، این عبارت را نقل نکرده است. ۴. راویان بخاری دو نفر، سهل بن سعد و سلمه هستند؛ در حالی که راویان مسلم چهار نفر (سلمه، سعد بن ابی وقاص، ابوهریره و سهل بن سعد) هستند. ۶. به علت تعدد بیشتر راویان در مسلم، گزارشهای او متنوع‌تر است و وی، این جریان را به چهار گونه روایت می‌کند؛ در حالی که بخاری، تنها به دو گونه کلی روایت می‌کند.

بر خلاف بخاری و مسلم، احمد بن حنبل و نسائی، قبل از نقل سخن پیامبر، به دریافت پرچم از سوی ابوبکر و عمر در دو روز متوالی و ناتوانی آنان از فتح قلعه، تصریح می‌کنند. (احمد بن حنبل، ج ۳۸، ص ۹۷، ح ۲۲۹۹۳؛ نسائی، ص ۳۹) طبرانی، بدون ذکر نام، از شخصی یاد می‌کند که از سوی پیامبر مامور فتح قلعه‌ها شد ولی ترسید. این واقعه به قدری بر یاران پیامبر سخت گذشت که محمد بن سلمه، به گریه افتاد. (طبرانی، سلیمان بن احمد، ج ۲، ص ۱۱) حاکم نیشابوری نیز در پنج روایت، به ناتوانی ابوبکر و عمر در فتح قلعه‌ها تصریح دارد و در یک روایت، بدون ذکر نام، از فردی یاد می‌کند که ترسید و برگشت. وی در پایان این روایات می‌نویسد: "دو شیخ (بخاری و مسلم) بر نقل حدیث رایت متفق‌اند؛ اما به این سیاق، نقل نکرده‌اند. (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۴۱) غیر از محدثان، مورخان نیز به ناتوانی ابوبکر و عمر و پس از آن، واگذاری پرچم به امام علی (ع)، تصریح می‌کنند (ابن هشام، ج ۲، ص ۳۳۴؛ طبری، ج ۳، ص ۱۲) که نشانگر نوعی هماهنگی بین مصادر حدیثی و تاریخی اهل سنت است.

نتیجه آن‌که، گزارش بخاری و مسلم در این باره، با دیگران، یک تفاوت عمده و اساسی دارد که اکثر منابع اهل سنت، قبل از واگذاری پرچم به امام و پیروزی ایشان، بر ناتوانی ابوبکر و عمر در گشایش قلعه خیبر تصریح یا اشاره می‌کنند؛ اما بخاری و مسلم، هیچ اشاره‌ای به این موضوع نمی‌کنند. گزارش نکردن این موضوع، قدری از فضیلت امام در فتح و پیروزی، می‌کاهد؛ به این دلیل که اگر بخاری و مسلم ابتدا ناتوانی آن دو و سپس موفقیت

حضرت را بازگو می‌کردند، نشانگر فضیلت بیشتر امام بود تا وقتی که به دلیل بیان نکردن، این احتمال مطرح می‌شود که اگر پیامبر به ابوبکر و عمر هم مسئولیت فتح قلعه خیبر را می‌داد، موفق می‌شدند.

درباره گزارش جانشینی پیامبر در مدینه، روایات مسلم با بخاری از جهاتی مشترک است: ۱. در برخی از آنها، جمله پیامبر، تقطیع شده است. ۲. روایات بخاری و مسلم، در عبارات، اختلاف دارد. ۳. راوی همه این احادیث، سعد بن ابی وقاص است. روایات مسلم، نسبت به بخاری، تفاوت‌هایی دارد: ۱. حدیث سوم توسط سعد بن ابی وقاص و در جواب معاویه صادر شده است که بخاری آن را نیاورده است. ۲. در حدیث سوم، عبارت پیامبر به جای "الا انه لا نبی بعدی"، "الا انه لا نبوة بعدی"، گزارش شده است. ۳. بخاری از دو روایت، یکی را تقطیع کرده است؛ در حالی که مسلم از چهار روایت، تنها یک روایت را؛ بنابراین نسبت روایت کامل به ناقص در صحیح مسلم، بیشتر است.

برخی دیگر از محدثان اهل سنت نیز، حدیث نبوی را با عبارت "الا انه لا نبی بعدی" و بدون آن، روایت کرده‌اند. (احمد بن حنبل، ح ۱۴۲۳، ۱۳۸۴؛ ابن ماجه، ح ۱۱۵) و برخی دیگر، تنها به صورت کامل روایت کرده‌اند. (ترمذی، ح ۳۷۲۴؛ ح ۳۷۳۰ و ۳۷۳۱) مورخان اهل سنت نیز به دو شکل، گزارش کرده‌اند. (ابن سعد، ج ۳، ۲۳-۲۱). نتیجه آن‌که در صحیح بخاری و مسلم و دیگر منابع حدیثی و تاریخی، به دو شکل کامل و ناقص، آمده است.

درباره این‌که حضرت قصد کشتن مشرکی را داشت، تنها بخاری این مورد را ذکر کرده و مسلم از بیان آن، خودداری کرده است. در برخی منابع تاریخی نیز به این مطلب، اشاره شده است. (بیهقی، ج ۵، ص ۸۰) نتیجه آن‌که بنا بر گزارش بخاری، امام علی (ع) قصد داشته، مشرکی را که در منزل خواهرش پناه گرفته، به قتل برساند؛ در حالی که قبل از آغاز فتح مکه، امنیت مردم مکه از طرف پیامبر (ص)، تضمین شده بود.

درباره گزارش تصاحب کنیزی در سریه یمن، این مورد را تنها بخاری ذکر کرده است. نتیجه آن‌که، بنا بر گزارش بخاری، سیره امام در تصرف کنیز قبل از تقسیم غنائم، از طرف دیگران نکوهش شده است. سخن جامع الاصول که "صحابه همراه امام علی (ع) در یمن این کار علی بن ابی طالب را بد شمردند و چهار نفر از اصحاب پیامبر با هم پیمان بستند که از او پیش پیامبر سعایت کنند" (ابن اثیر، ج ۸، ص ۶۵۲) موید سخن ماست.

درباره گرفتن نامه از جاسوس، هر دو منبع، بدون هیچ تفاوتی، این گزارش را نقل کرده‌اند. این روایت، در منابع دست اول تاریخی اهل سنت، نیامده است. بیهقی (۴۵۸ق). قدیمی‌ترین منبع تاریخی است که به این مطلب تصریح کرده است. (بیهقی، ج ۳، ص ۱۵۲) نتیجه آن‌که، تهدید یک زن ولو مشرک، به عریان کردن او، امری پسندیده نیست؛ در حالی که در صحیحین این کار به امام علی(ع) و همراهان، نسبت داده شده است.

در قسمت ماموریت‌های ویژه، تنها یک گزارش، درباره اعلام سوره براءت توسط امام علی(ع) وارد شده است. بخاری و مسلم هر دو، به دلیل تعصبات مذهبی، این روایت را کامل نقل نکرده‌اند. بنابر گزارش احمد بن حنبل، رسول خدا (ص) ابتدا ابوبکر را به منظور خواندن آیات براءت به مکه فرستاد؛ اما وی، بیش از سه منزل از مدینه دور نشده بود که رسول خدا (ص) به علی(ع) دستور داد که خودت را به ابوبکر برسان، آیات براءت را از او بگیر، او را برگردان و آنها را به مردم مکه ابلاغ کن. امام با شتاب از مدینه بیرون آمد و مأموریت را انجام داد. وقتی ابوبکر حضور رسول خدا (ص) رسید، گریست و گفت: یا رسول الله! آیا درباره من مسأله‌ای رخ داده است؟ حضرت فرمود: جز خیر، چیز دیگری درباره‌ات رخ نداده است؛ ولی به من دستور داده شده که آیات براءت را یا خودم بر مردم مکه بخوانم و یا مردی که از خود من است. (احمد بن حنبل) نتیجه آن‌که هر چند بنابر برخی مصادر حدیثی و تاریخی اهل سنت، پیامبر ابتدا ابوبکر و سپس امام علی(ع) را مأمور ابلاغ سوره براءت فرمود؛ اما این مطلب در صحیح بخاری و مسلم، نیامده و باعث شده قدری از فضیلت امام علی(ع) کاسته شود.

در قسمت سیره فردی، ۵ گزارش بررسی شد. ازدواج امام علی(ع) با حضرت زهرا (س) که بدون کم و کاست و اختلاف در هر دو منبع آمده، هر چند نشانگر اهمیت دادن ایشان به امر تجارت و رزق حلال و برپایی مراسم آبرومندانه ازدواج دارد؛ اما اشاره دارد که امام علی(ع) با مردی یهودی در تجارت، شریک شده است. درباره خواستگاری امام علی(ع) از دختر ابو جهل، راوی هفت روایت صحیحین، مسور بن مخرمه است و در هر دو کتاب، یک جور گزارش شده است؛ هر چند بخاری در چهار کتاب مختلف و مسلم تنها در کتاب فضائل نقل کرده است. نتیجه آن‌که این حدیث، نکوهش و نقص امام است؛ زیرا اولاً باعث رنجش حضرت فاطمه شد؛ ثانیاً رسول الله از این کار به قدری ناراحت شد که برای مردم روی منبر، سخنرانی و امام را توبیخ و نکوهش کرد و دامادش دیگرش ابوالعاص را بر امام علی(ع) ترجیح داد؛ ثالثاً تصمیم داشت بین دختر رسول الله و دختر دشمن رسول الله

جمع کند که با مخالفت پیامبر رو به رو شد؛ رابعاً پس از سخنرانی عمومی رسول الله، نکوهش و تهدید ایشان، از ازدواج با دختر ابوجهل، منصرف شد.

گزارش خشم امام بر فاطمه (س) را هر دو مصدر گزارش کرده‌اند و حدیث اهمیت ندادن به نماز شب نیز در هر دو منبع آمده، نکوهش امام علی (ع) است؛ زیرا اولاً نسبت به اقامه نماز شب، کم توجه بوده است؛ ثانیاً جواب پیامبر را به صورت جدلی و نه برهانی داده است؛ ثالثاً پیامبر از جواب امام علی (ع) ناراحت شدند و با بیان آیه‌ای، با کنایه به امام فهمانده‌اند که با ایشان، جدل کرده است. رابعاً پیامبر پس از این اتفاق در منزل ایشان نماندند و آنجا را ترک کرده‌اند. همچنین محتوای گزارش پوشیدن لباس ابریشمی که هر دو منبع آن را ذکر کرده‌اند، نکوهش ایشان است؛ زیرا بنابراین روایت، نسبت به حکم حرمت پوشیدن لباس ابریشمی توسط مردان، ناآگاه بود و با این کار، باعث خشم پیامبر (ص) شد.

در قسمت "در واپسین روزهای حیات پیامبر (ص)" دو گزارش آمده است؛ بنابر گزارش اول، اولاً عایشه خوش نداشته نام امام علی (ع) را ببرد. ثانیاً پیامبر با کمک عباس و امام علی (ع) به منزل عایشه رفته است. ثالثاً امام علی (ع) در لحظات آخر عمر، کنار پیامبر (ص) نبوده است؛ بلکه این عایشه بوده که میزبان و تنها همراه پیامبر (ص) بوده است. مطلبی که بخاری و مسلم بر اثبات آن اصرار دارند. بنابر روایتی، عده‌ای نزد عایشه تاکید کردند که علی، وصی رسول الله (ص) بوده است. وی گفت: چه زمانی به او وصیت کرده است، در حالی که آن حضرت، بر سینه من تکیه زده بود و از من تشت خواست. سپس در کنار من خمیده شد و من درنیافتم که آن حضرت مرده است. پس چه زمانی به او وصیت کرده است؟ (بخاری، ص ۵۲۷، ح ۲۷۴۱؛ ص ۸۴۳، ح ۴۴۵۹؛ مسلم، ص ۶۷۱، ح ۱۶۳۶)؛ بنابراین، همراهی با پیامبر، از فضایل امام و غیبت ایشان در لحظات آخر عمر پیامبر، نقص ایشان شمرده می‌شود در حالی که بنابر برخی دیگر از روایات در لحظات آخر عمر رسول الله، امام علی (ع) حاضر بوده است. در روایت دوم که بنابر آن، امام علی (ع) از آینده خلافت نگرانی دارد؛ مسلم، آن را نقل نکرده است. محتوای این گزارش، که تنها بخاری آن را ذکر کرده است، نکوهش و نقص امام علی (ع) است؛ زیرا شخصی فرصت طلب به تصویر کشیده شده که نگران از دست دادن قدرت است و به همین دلیل، چون احتمال می‌دهد پیامبر خاندانش را از خلافت و قدرت منع خواهند کرد، حاضر نشد درباره آن، از پیامبر پرسد.

سیره عملی امام علی (ع) در زمان پیامبر (ص) ... (کاوس روحی برندق و علی احمدی) ۱۷۵

بنابراین، بنابر دو منبع مهم حدیثی اهل سنت، امام علی(ع) فردی است کاملاً عادی؛ مثل دیگر صحابی رسول خدا(ص) که تنها در برخی موارد، به خصوص در میدان جنگ، سیره‌ای نیکو و مورد تایید پیامبر داشته است.

جدول (۱): آمار انعکاس روایات در صحیح بخاری و مسلم

ردیف	موضوع	بخاری	مسلم
۱	مبارزه در جنگ بدر	+	+
۲	حضور در جنگ احد	+	+
۳	نگارش صلح نامه	+	+
۴	جریان افک	+	+
۵	اختلاف درباره دختر حمزه	+	-
۶	فرماندهی در جنگ خیبر	+	+
۷	جانشینی در مدینه	+	+
۸	قصد کشتن مشرک	+	-
۹	سریه یمن	+	-
۱۰	گرفتن نامه از جاسوس	+	+
۱۱	ابلاغ سوره براءت	+	+
۱۲	ازدواج	+	+
۱۳	خواستگاری از دختر ابوجهل	+	+
۱۴	خشم بر همسر	+	+
۱۵	اهمیت ندادن به نماز شب	+	+
۱۶	پوشیدن لباس ابریشمی	+	+
۱۷	حاضر نشدن نزد پیامبر	+	+
۱۸	نگرانی از آینده خلافت	+	-

۴. نتیجه پژوهش

پس از جمع‌آوری، بررسی و تحلیل گزارش‌های مربوط به شخصیت و سیره امام علی(ع) در زمان پیامبر، در دو کتاب حدیثی مهم اهل سنت، بخاری و مسلم، در این پژوهش، اثبات شد که در این دو کتاب، تصویری از امام علی(ع) ارائه می‌شود که چندان تفاوتی با دیگر صحابه، نمی‌کند. هر چند از بُعد نظامی، فرمانده‌ای است که در جنگ‌های پیامبر حضور دارد؛

اما گاهی فرمان پیامبر(ص) را اجرا نمی‌کند. در سریه یمن، کنیزی را قبل از اجازه و تقسیم پیامبر(ص)، به تصاحب خود درمی‌آورد که با واکنش دیگر سپاهیان مواجه می‌شود. از بعد عبادی، نسبت به نماز شب، کم‌توجه است. از بعد سیاسی، به دنبال قدرت است و دوست دارد پس از پیامبر(ص)، جانشین ایشان شود. در لحظات آخر عمر پیامبر(ص)، در جوار ایشان حضور ندارد. این نوع دیدگاه، که سعی کرده کمتر به انعکاس سیره عملی مثبت امام علی(ع) پردازد، با دیدگاه برخی دیگر از محدثان و مورخان اهل سنت، منافات دارد.

کتاب‌نامه

- ابن اثیر جزری، جامع الاصول فی احادیث الرسول، تحقیق الارنوط، بی‌جا، مکتبه الحلوانی، ۱۳۸۹ق.
- ابن بطال البکری قرطبی، علی بن خلف، شرح صحیح البخاری، تحقیق ابوتمیم یاسر بن ابراهیم، ریاض، مکتبه الرشد، السعودیه، ۲۰۰۳/۱۴۲۳م.
- ابن سعد، محمد بن سعید، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۹۹۰/۱۴۱۰.
- ابن سید الناس، عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر، تعلیق ابراهیم محمد رمضان، بیروت، دار القلم، چاپ اول، ۱۹۹۳/۱۴۱۴.
- ابن ماجه، محمد بن مزید، السنن، با تحقیق شعیب الارنوط، بی‌جا، مؤسسه الرساله، بی‌تا.
- ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلیبی، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.
- ابی عوانه، مسند ابی عوانه، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.
- احمد بن حنبل، مسند، محقق شعیب الارنوط، بیروت، مؤسسه الرساله، ۲۰۰۱/۱۴۲۱.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، اعتنی به ابو صهیب الکریمی، ریاض، بیت الافکار الدولیه، ۱۹۹۸/۱۴۱۹.
- بیهقی، السنن الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴.
- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، محقق ابو عبیده مشهور بن حسن آل سلمان، ریاض، مکتبه المعارف، بی‌تا.
۱۲. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ۲۰۰۲/۱۴۲۲.
- ذهبی، شمس‌الدین، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۱۳ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الصغیر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۳/۱۴۰۳.

سيرة عملی امام علی (ع) در زمان پیامبر (ص) ... (كاوس روى برندق و على احمدى) ۱۷۷

طبرى، محمد بن جرير، تاريخ الرسل و الملوك، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، مصر، دارالمعارف، چاپ دوم، بى تا.

عسقلانى، أحمد بن على، فتح البارى شرح صحيح البخارى، تحقيق محب الدين خطيب، بيروت، دار المعرفة، بى تا.

مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، رياض، بيت الافكار الدوليه، ۱۹۹۸/۱۴۱۹.

مقرئى، احمد بن على، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفده و المتاع، تحقيق محمد عبد الحميد النميسى، بيروت، دار الكتب العلميه، چاپ اول، ۱۹۹۹/۱۴۲۰.

نسائى، احمد بن على، خصائص اميرالمؤمنين على بن ابى طالب، تحقيق احمد ميرين البلوشى، كويت، مكتبة المعلا، ۱۹۸۶/۱۴۰۶.

بيهقى، احمد بن حسين، دلائل النبوه و معرفه أحوال صاحب الشريعه، تحقيق عبد المعطى قلججى، بيروت، دارالكتب العلميه، چاپ اول، ۱۹۸۵/۱۴۰۵.



پښتونخوا ښار علمي او مطالعاتي څانگه
پرتال جامع علوم انساني